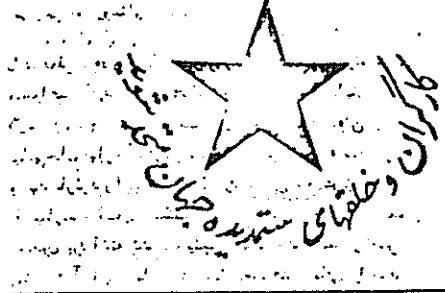


کوشش



سازمان انقلابی کمونیست (م-ک)

کمیونست - شماره ۱ (سال پنجم)

دو ماه ۱۳۲۹

رویزوونیسم حزب توده را کاملاً طرد کنیم

بوجود آورده و آنها را تکانه‌ای شدید می‌دهد. باید این تکانه‌های شدید را به سمت تکلیف و بریدن سوق داد. انتشار ضمیمه ماهنامه مردم - ارگان تشکیلات شهران حزب توده ایران - سه ماهه ۲۹ که حاوی موضع گریه‌های شرقی و ارزیابی‌های نسبت به صحیحی از اوضاع جنبش در ایران در سه مقاله خود (تحت عنوان "لزم بررسی و استناد باز شرایط جدید کشور در جهت هدف‌های ملی و دموکراتیک") می‌باشد، نمودار تکانه‌ای شدیدی در تشکیلات رویزوونیست حزب توده در داخل کشور وجود جزئیاتی نوبت مخالفی در نفی "رهبری" خائن و حاشیه نشین حزب توده است. "رهبران" خائن و حاشیه نشین حزب توده با کارها و اعمالی واقعی حزب توده اصلی مبارزه در داخل کشور کینه‌توزانه صحیحی علیه "رهبری" و "مفرد نظرات" "رهبری" رسانده و در ضمیمه ماهنامه مردم انتشار دادند و بگفته پانچ دادماست در مقاله "ارزیابی وضع کنونی ایران از لحاظ جنبش کفکشی با رفقای حزبی ما در داخل کشور" مردم شهریور ۱۳۲۹ که توسط رادیو بیگ ایران نیز پخش گردیده "رویزوونیست در پاسنگوش نظرات خندرج" دن "ضمیمه مردم" چنین وانمود میکند که نظرات "میزورنه" اظهارات مجوسو با اکثریت یک تشکیلات حزبی بلکما اظهارات "یکی از رفقا" است که آنهم بصورت "نوشتهاهایی" پنداست ایشان رسیده (تو کوشی مثلا نامی از یک نفر بود نام) و فقط "احتمال" می‌رود که این اظهارات "متعکس کننده" نظرات تنها فرستنده این نوشته‌ها نباشد بلکه افراد دیگری نیز بدین شیوه بیان داشته. (مردم - سه ماهه ۲۹) گرفتیم که دروغ "رهبری" مینا بر اینک "نوشتهاهایی" مزبور فقط "احتمالاً" بیان کننده نظرات افراد دیگری هم باشند صحت میداشت و دیگر پخش گفتاری در پاسخ بانها توسط رادیو بیگ ایران مولود چه انگیزهای بود؟ این درست است این "نوشتها" و دسته جمعی بودن قضایا و ارزیابی‌های مزبور در آن بوده که "رهبری" را اینگونه دست پاچیند و برای اظهار عقیده و توجیه مواضع و تهدیدات به وجود می‌یست رادیو کشانده است. دستگاه "رهبری" باز شخصی کرده است که به بهرری از شهرهای ایرونیست گذشتگان - یعنی دروغ بر آری و قلب واقعیتی و تعریف نژاده مارکسیستی - لنینیستی و ارعاب و تهدید - اعضاء و کارها بیدار شده را سر جای خود نشاند. ولی این شیوه‌های رسوا شده دیگر کارگر نیست. "رهبری" مرتد حزب توده دیگر قادر نخواهد بود که انزویته از دست رفته خود را باز گرداند و امروز نیز مانند گذشته به مبارزه طبقه کارگر و جنبش مردم ما لطفه وارد سازد. امروز این "رهبری" بهتر از همیشه خود را در تنگنا و مضرت شده حس می‌کند و زیرا از جانب بخش مهم حزب که در داخل کشور است نیز مورد بازخواست قرار گرفته و در جریان طرد شدن است. همانطور که در شماره ۳

سرنوشت امپریالیسم و رویزوونیسم بهم وابسته است. هر چه مبارزه خلقهای انقلابی جهان علیه امپریالیسم و رویزوونیسم در اخلی کشور خود آن بگیرد و فریادهای نوینی بر بیگر آنان وارد می‌سازد و رویزوونیستها نیز بیشتر متفرد شده و وضعتان بحرانی تر میگرد. بالعکس و تشدید مبارزه علیه رویزوونیستها و وضع بحرانی آنها راه رشد مبارزه ضد امپریالیسم و رویزوونیستها را هموارتر کرده و خلقها صافه ما ایران، نیز وضع بدین ضوال است. سرنوشت رویزوونیست نشاند شاه و استعمارگران بین‌المللی از یک طرف و دار و دسته مرتد رویزوونیستها از طرف دیگر. مبارزه اصلی ایشان در سکر بهم وابسته است. بخران اقتصادی و سیاسی در رژیم کبریا در - ثورال ایران و رشد مبارزات مردم و رویزوونیستها حزب توده را نیز بیشتر موضع بحرانی انداخته و به انفراد می‌کشد. مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع جدا از مبارزه علیه رویزوونیسم و ایرونیسم نیست. مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه نیز نمیتواند جدا از مبارزه علیه رویزوونیسم حزب توده با ساز - شکاری ایرونیستی آن در گذشته و حال باشد. بنابراین هر گونه شکست بر رویزوونیستها و عباداران ساز و تسلیم و شکستی است در پایه‌های امپریالیسم و ارتجاع. در قیقت شدن و یا حرکت عناصر خواهان انقلاب در جهت مرز بندی با ساز - شکاران رویزوونیست کمیته مرکزی حزب توده و حرکت در جهت بریدن کامل از این خائنین بگوریم و مسلماً راه مبارزه - نظریه نمون علیه مرتجعین داخلی و خارجی را هموارتر خواهد کرد. رشد مبارزه خود بها و قطعی تر شدن نیروها در ایران و مسلماً بر تشکیلات رویزوونیستی نیز اثر گذارده و آنها را بیست استماعیهای نوین و کامل تری سوق میدهد. تلاطم انقلابی در جامعه تلاطم انقلابی را در پایه‌های رویزوونیسم در داخل کشور

روسوایی رژیم

مبارزات اخیر داینجومان و جوانان ایران و گسترش آن بظواهر اعتراضات اشکارانه رژیم لیزان شاه و سریداران سر سبزه "انقلاب پات" شاهانه را بوحشت انداخته است. رشد و شدت و وسعت روز افزون این مبارزات و حرکت آن در جهت پیوند با بسی هر چه عمیقتر با مبارزات توده‌های زحمتکش بر گشته شدن تدوینی از حالت خود بخودی جنبش از میان ریزهای اسفند ۱۳۲۸ بروشنی قابل پیش بینی بود. ما در سه مقاله "کمیونست" شماره یک "نوشتیم که: با مح نوبن مبارزه از اسفند ماه ۲۸ برپوه تدارک و تشکل باسی خلقی وارد مرحله جدیدی شده است. یک اینک مردم مبارزه رو و رو و وحله مقابل رژیم موناو کو فاشیستی ایران دست زدند و علما علیه امپریالیسم آمریکا با اعتراضات علیه و خنکو آبیژ میادرت رویزوونیست در دم آنکه علما نشان داده شد که شیوه قهر انقلابی به محل اصلی انقلاب ایران در دوره کنونی تبدیل شده است و سوم آنکه جنبش داینجومان و جوانان ایران در جهت پیوند دادن مبارزات خود با مبارزات نوبن مردم تشکل ها، گروهها و هسته های پیکارجو و انگا با حرکت در جهت پیوند دادن فضا لیبهای خود بانوده های زحمتکش تا حدودی از جنبه خود بخودی بودن جنبش کاستند و به پندسان همه بودن مسئله پیوند با توده های زحمتکش را در مرحله کنونی نشان بردند. اینهاست مقصداً اصلی این گیری اخیر مبارزات خلقی. و از این جا ستهراس و سراسیمگی کنونی رژیم مبارزات اخیر داینجومان دانشگاههای ایران آنچنان رژیم را بوحشت انداخته است که از روی ندانم کاری نانی بقیه در صفحه ۶

بررسی از یک دهستانای ایران

و با هم بکار می‌برازند. به طریقه ای که هر کدام دارای سه زمین کوچک می‌باشند. هر کدام یک گاو دارند و بطور مساوی نیز بذر در این زمین ها می‌باشند. و نیز تقریباً بطور مساوی کار میکنند. محصول را پس از برداشت به دو قسمت مساوی تقسیم میکنند. ولی در مواقعی که نمیتوانند با یک دهقان هم طبقه خود شریک شوند، مجبور میگردند با مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه شریک شوند و بدین طریقه اشتراک می‌نهند. طریقه اشتراک یک دهقان میانه حال یک گاو آهن دارد و فرس هم. ۵ کیلو بذر نیز دارد. و مقدار زمینی که دارد و باید آنرا بکار باندازد ۵ کیلو بذر گنجا می‌دارد. ولی مالک ارضی بقیه در صفحه ۲

بخش نو بین کمونیستی را با مبارزات کارگران و دهقانان ایران پیوند میدهد

دانشجویان قهرمان دانشگاه تهران با تشکیل ششگانه از گذشته در آذرماه اسفند دست به مبارزه وسیعی علیه رژیم ارتجاعی شاه زده اند.

اعلامیه هائی از قبیل اعلامیه زیر در نقاط مختلف بهرزی در یوار خیزیده به پیشتر... "آزادگان، زور تنها وسیله گفتگوی حکومت با تمل جوان است، در اعتراضات همدردانه خود گذشته درها تفسیر از دانشگاهیان دانشگاه تهران را بخاطر اعتراضات به برنامه های تحصیلی امتحانات برزنندگان انداخته اند نوع برخورد با دانش آموزان نشم در یوزستان نیز از همین نوع است. هنگامیکه با بدترین گروه اجتماع بدینگونه رفتار میشود نه تنها منافعی مانند کوب میگردد بلکه به سرف و غرور با اجابت میشود. بیست خیزید و دست را...

چهارشنبه صبح جلسه عمومی دانشگاه... "رهبری" به بیان این جنبش در این دانشگاه... از شدت ظلم و امتیازات مالک برجی بنام "شهره امیرافشار" به قهر و خشم انقلابی آمده و حق او را همانگونه سزاوار هر ارباب خونخوار است کف دستش میگرداند (رجوع شود به سرمقاله "رسوایی رژیم" ۱۰۰۰). "شاهان ایران"...

زانشان تری رژیم ارتجاعی شاه از این عدیان بهرشت میافتد و با گول زدن آنها با آنچه کثیری از اهالی را دستگیر و زندانی میکنند و بعد از هفت ماه در روز چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۳۱ در فراز آن بارها باین شرح مکرر می...

صدولی به هشت سال زندان با اعمال شاقه دستگیر... اکبری به هفت سال با اعمال شاقه... شش سال با اعمال شاقه علی اکبری و مندیر اختری به سه سال با اعمال شاقه... یازده نفر به در سال با اعمال شاقه و ۱۱ نفر دیگر به هفت ماه زندان... این عکس العمل رژیم نشان بارز خوف و وحشت است. با هر عملی نظیر این رژیم پهلوی کور خود را در معرض خفت میگذارد این خبر در تمام قریه های زنجان بدرعت پخش شد گردیده و دهقانان را خوشبینتر نموده است.

رویتوسیم حزب

شاید نمودار روند مرحله ای جنبش بود و ولی در این سن زمان نشان حماقت و ایورتونیسیم مدعی ملتان آنست و توسل جست و جویی در آن زمانها هم منظور "رهبری" از مبارزه بخاطر "حقوق دمکراتیک" کسب حقوق وزارت درگاه بهیته قوام بود و نتیجتاً دیگر امروز هم "کمیته مرکزی" تسلیم تکا بیستی برای "آزادی / حقوق دمکراتیک"، "آزادی فعالیت حزب" در داخل کشور است که حضرات "رهبری" بنویسند مستقیماً در التزام رکاب شاه و هیئت حاکمه و پیس نهایت سوسیال فاشیستهای شوروی کنترل و گمراه کردن دوباره جنبش براندازند (رجوع شود به سرمقاله مردم تحت عنوان "آزادی فعالیت حزب" در ایران کسب آزادی سیاسی دمکراتیک است" - شهریور ۱۳۳۱).

دستگاه "رهبری" حزب خود میباید تلاش بکند تا با تهدید و ارباب و کادرها و اعضای حزبی درون کشور را برافراست هدایت کند. درک دستگاه "رهبری" از مردم گزینت دمکراتیک و انضباط حزبی درست مانند قاضیست. آنها مانند گذشته نمیتوانند نذرات هیچ کس را که خلاف نظر "رهبری" باشد تحمل کنند و از این رو به "رفیق نوشته نامه و رفتاری دیگر حزبی که ممکن است (۱) تحت تاثیر این نوع تحلیل های احساسی (۱) (شاهور مقاله

"صمیم مردم" فرار گرفته باشند هشدار باش. "میدهند" که سبکات "رهبری" را تحت عنوان "موازن حزبی" و "خط مشی حزب" گورگورانه تبعیت کرده و "آیزه گوش هوش خود" سازند (نقل قولها از مردم - شهریور ۱۳۳۱).

تشکیلات تهران و لغامه خواهان انقلاب مارکسیسم لنینیسم باید توجه کنند که به این "رهبری" که خیانتست سرشت، ایورتونیسیتی خود را بارها با اثبات رسانیده. دیگر "سختوان و نباید به اشتباه اشتباه قابل اصلاحی برخوردار شود. تشکیلات تهران میباید که "دور بودن از واقعات مسلم و از زندگی مردم برای زمان طولانی امتناع تصمیم را در رهبری و در هدایت توده ها از میان میبرد و ضنا لغامه توده ها را نیز در رجا از دست خواهد گرفت" (سرمقاله صمیم مردم) این "رهبری" حتی در همان زمانهایی که در داخل کشور نیز بود قادر به اتخاذ تصمیمات انقلابی در رابطه با مردم نبود است. آنها در دوره حکومت قوام و در مورد جنبشگران آذربایجان و کردستان، در مورد حکومت دکتر مصدق و

بلاخره در جریان کودتای ننگین ۲۸ مرداد مگر چگونه اتخاذ تصمیمی نمودند. دور بودن "رهبری" حسرتی است و از میدان اصلی مبارزه در حقیقت با معلول همان نوع اعتدالی بنویسده های مردم و اصولا غلط بوده ای بودن سرشت آنهاست و نه بالعکس. درست این غلط بوده ای بودن "رهبری" بوده که آنها با بست قرار ظلم و جانشین نشینی سوق داد و به بنیام لغامه خلق را نیز از آنها سلب کرده است. این ایورتونیسیم و ست عنصری می...

لپاتی و خیانت بیخکی دستگاه "کمیته مرکزی" بوده که آنها را دور از توده های واقعی حزبی و دور از خلق دور پناه آریایان و ریزینستان در خارج از کشور قرار داد و است. این "رهبری" امروز برانسی لپاتی و ایورتونیسیتی تر است که از آنها نباید از آنها انتظار داشت که "پهخته اصلی مبارزه یعنی داخل کشور بیاز گردند" و امر انقلاب ایران را هدایت کنند. بازگشت آنان بهمین، اگر تیزی دست ندهد فقط و فقط برای سازش های نین با هیئت حاکمه و کنترل جنبش منفع رژیم و امپریالیسم است. آنان با رژیم راه مسا ملت میچینه و نه راه خلاصت. راه آنان و راه تمام ریزینستها، راه ریزینستهای خائن شوروی، راه بگور بودن جنبش پرولتوری و خلقهای ایران است. آنها کاملاً ناسند و از این رو نمی توان آنها را پناه "موازن طبقه کارگر" دانست و لزوم بازگشت ایشان را توصیه کرد. آنها خائنین طبقه کارگرند و

برای ایشان جانی در جبهه واحد خلق نیست. و اینکه مردم مقابل مارکسیست لنینیستها در مرحله کنونی، ایجاد حزب طبقه کارگر، حزبی در نفی کامل اجراء ریزینست معاصر هوا در سوسیال - امپریالیسم شوروی، حزبی ساخته شده بر مبنای طراز نین اهدشه مائوتسک در آن حزبی که بتواند انقلاب دمکراتیک و ملی مردم را به سمت پیروزی هدایت کند، میباشد. حرکت در جهت وحدتی نین در میان عناصر خواهان مارکسیسم و انقلاب تنها با طرد کامل و قطع ریزینستهای حزب توده و شناخت سوسیال - امپریالیسم شوروی پناه پت عامل ضد انقلاب و ضد کمونیست میتوان صورت پذیرد. موضع گیریهای مترقی نگارها و لغامه حزبی درون کشور مایه خورسندی همه مارکسیست لنینیستهای ایرانست. باشد که این موضع

یکروز ران سرد آزادخواهی مثل خبیثاتی ماجراجو و خائنین خسرونده

میشود. امروز هم بموازات منافع طبقه حاکمه و منافعهای تمامیل ادامه است شمارنا سرشی آزادخواهان ایران را ماجراجو مینامد ولی باید بداند که همین ماجراجو سرمان سرمان حیثانی آنها را تطیع کرده و بنجرم تمام جنایات و خیانتهائی که مرتکب شده باند آنها را بیالای دار میفرستند. "یکروز ران سرد آزادخواهی مثل خبیثاتی ماجراجو و خائنین خسرونده" میفرستند. این موضع گیریها را باید بداند که این موضع

گوییها که در واقع امر بعد مواضع ریزینست حزبی توده است. بطرد کامل ریزینستهای حزب توده و آریایان سوسیال - امپریالیستمان منتفی گردد و بدینسان، پایه وحدت همگی از تمام عناصر خواهان مارکسیسم لنینیسم که علاوه در جهت ایجاد حزب واقعی طبقه کارگر و پیشبرد امر انقلاب ایران کام بر میدارند و بوجود آید.

رسوایی رژیم... "رهبری" به بیان این جنبش در این دانشگاه... از شدت ظلم و امتیازات مالک برجی بنام "شهره امیرافشار" به قهر و خشم انقلابی آمده و حق او را همانگونه سزاوار هر ارباب خونخوار است کف دستش میگرداند (رجوع شود به سرمقاله "رسوایی رژیم" ۱۰۰۰). "شاهان ایران"...

زانشان تری رژیم ارتجاعی شاه از این عدیان بهرشت میافتد و با گول زدن آنها با آنچه کثیری از اهالی را دستگیر و زندانی میکنند و بعد از هفت ماه در روز چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۳۱ در فراز آن بارها باین شرح مکرر می...

صدولی به هشت سال زندان با اعمال شاقه دستگیر... اکبری به هفت سال با اعمال شاقه... شش سال با اعمال شاقه علی اکبری و مندیر اختری به سه سال با اعمال شاقه... یازده نفر به در سال با اعمال شاقه و ۱۱ نفر دیگر به هفت ماه زندان... این عکس العمل رژیم نشان بارز خوف و وحشت است. با هر عملی نظیر این رژیم پهلوی کور خود را در معرض خفت میگذارد این خبر در تمام قریه های زنجان بدرعت پخش شد گردیده و دهقانان را خوشبینتر نموده است.

رویتوسیم حزب

شاید نمودار روند مرحله ای جنبش بود و ولی در این سن زمان نشان حماقت و ایورتونیسیم مدعی ملتان آنست و توسل جست و جویی در آن زمانها هم منظور "رهبری" از مبارزه بخاطر "حقوق دمکراتیک" کسب حقوق وزارت درگاه بهیته قوام بود و نتیجتاً دیگر امروز هم "کمیته مرکزی" تسلیم تکا بیستی برای "آزادی / حقوق دمکراتیک"، "آزادی فعالیت حزب" در داخل کشور است که حضرات "رهبری" بنویسند مستقیماً در التزام رکاب شاه و هیئت حاکمه و پیس نهایت سوسیال فاشیستهای شوروی کنترل و گمراه کردن دوباره جنبش براندازند (رجوع شود به سرمقاله مردم تحت عنوان "آزادی فعالیت حزب" در ایران کسب آزادی سیاسی دمکراتیک است" - شهریور ۱۳۳۱).

دستگاه "رهبری" حزب خود میباید تلاش بکند تا با تهدید و ارباب و کادرها و اعضای حزبی درون کشور را برافراست هدایت کند. درک دستگاه "رهبری" از مردم گزینت دمکراتیک و انضباط حزبی درست مانند قاضیست. آنها مانند گذشته نمیتوانند نذرات هیچ کس را که خلاف نظر "رهبری" باشد تحمل کنند و از این رو به "رفیق نوشته نامه و رفتاری دیگر حزبی که ممکن است (۱) تحت تاثیر این نوع تحلیل های احساسی (۱) (شاهور مقاله

یا دهقان مرفه زمینهای بسیاری دارد که خود ششپنجاهی
 سخاوته بکاره و ولی مقداری از زمین که گنجایش
 کاشتن ۲۰۰ کیلو بذراست برای شراکت با دهقان
 بیاه حال کنار میگذارد که سیزده بیشتری ببرد و یک گاو
 و یک کارگر در اختیار او میگذارد. این دو نفر زمینها
 را میکارند، آبیاری میکنند و میچینند و بعد از اینکه
 محصول برداشته شد یک پنجم (و یا مقدار بسیار کمی
 بیشتر) آنرا به دهقان میانه حال میدهد و باقی را خود
 سرمدار و یعنی آن ۱۵۰ کیلو بذرا را هم که دهقان
 میانه حال برای آن کار کرده آنرا کاشت و باقی کارهایش
 را انجام داده، مالک ارضی و یا دهقان مرفه برای خود
 سرمدار و بعد از چینی تقمیری مالک ارضی و یا
 دهقان مرفه میگوید: "مقدار زمین و بذری من بیشتر بود
 و دیگر آسنة اویت نفر بود و یک گاو و ششپنجاه گاو و یک
 کارگر دادم".
 دهقانان فقیر نیز به این طریقه استشار میشوند و ولی
 شدیدیتر از افراد این طبقه هر سال وضعشان بدتر میشود.
 زنان این طبقه بیشتر استشار میشوند، چون بیافتن بجاییم
 و حوراب و شال و درست کردن نمک برای مالکان ارضی و
 دهقانان مرفه نیز میبرد ازند. و از این طریق نیز استشار
 میشوند. افراد این طبقه از طریق برداخت اجاره بدولت (۹)
 مالیات آب (۱۰)، مالیات درخت (۱۱)، پول گاو و پول گنبد (۱۲)، پول
 میراب (۱۳) نیز استشار میشوند. بعضی از افراد این طبقه
 یا دهقانان فقیر بطور شراکت زمین میکارند و با این طریق
 آنها را استشار میکنند. این دهقانان جزو دهقانان
 میانه حال مرفه میباشند. البته این بندرت اتفاق میافتد
 و کسانی هم که چنین کاری میکنند قیمت عدله درآید شان
 از این راه بدست نمیآید.
 ۲- دهقانان فقیر. افراد این طبقه عموماً بقدر
 کمی زمین برای کشت غلات و حیوانات دارند و همینطور
 مقدار کمی باغ و میوه زار. و بطور کلی تاو آهن ندارند.
 آنها برای اینکه زمینها را بکارند باید با یک مالک ارضی
 و یا یک دهقان مرفه و یا بندرت با یک دهقان میانه حال
 شریک شوند. در بعضی از مواقع دهقانان فقیر با چند تن
 از طبقات مختلف شریک میشوند و هر مقدار از زمین کوچک
 خود را با یک نفر میکارند. هرگز استشار مانند استشار
 دهقانان میانه حال بدست مالکان ارضی و یا دهقانان
 مرفه میآید. البته بصورت شدیدی چون دهقانان
 فقیر گاو و گاو آهن ندارند و مقدار زمین کم است.
 طریقه دیگری که آنها استشار میکنند با این صورت است
 که مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه با آنها با یک چند بوه
 و یا کوساله‌ای که تازه خند ماه است بدینا آید و میدهند
 و آنها میگویند که این حیوان را تو بزرگ کن و وقتی زائید
 بجه اولتر مال من است و هر سال هم باید از تو بگوسفند
 ۱۲ کیلو وزن بزای هر گاو ۲۰ کیلو پن بدهی. و در
 آنهم مال تو سیزده بدترین نوم استشار میباشد.
 چون دهقان فقیر باید تا چند سال اول بدین
 هیچگونه استفادهای، حیوان را بزرگ کند و بعد هم در
 سال اول بجه حیوان را به صاحب میدهد و نیز یک گوسفند
 و بند گاو هم در بدین مدت میآید. ۱۲ و ۲۰ کیلو وزن
 بدخند در بعضی مواقع دهقانان فقیر باید خود ششپنجاه
 خرد و صاحب حیوان بدهد. بجای آن ۱۲ و ۲۰
 کیلو وزن او باید تمام سال برای حیوان علوفه و حسا
 تهیه شد و از او نگهداری نماید و اثر حیوان بجهر باید
 بود آنرا به صاحب حیوان بدهد. او باید تمام سال
 حیوان را نگاه دارد تا اینکه حد اقل دو ماه و چند اکثر
 ۵ بار ماه از دو آن استفاده کند و در سالهای بدین نم
 که حیوان مزایه، اثر بجه اثر زنده بماند، صاحب حیوان

میگوید که میخواهد آنرا ببرد و چون دهقان فقیر
 بگندم و یا بپول احتیاج دارد مجبور میشود که آنرا
 بفروشد و آنگاه صاحب حیوان میگوید: "پس حالا
 این بوه و یا کوساله را بجه تو نگهدار و در ششپنجاه تن
 روغن انزال من". و اگر روزی دهقان فقیر بگوید که من
 دیگر این حیوان را نمیخواهم و صاحب دهقان میگوید:
 "نخواه، بده بمن و ولی مناسی. ولی اگر میخواهی
 این حیوان را بخری من میفروشم". و بعد صاحب
 حیوان قبضی چندین برابر قیمت اصلی پیشنهاد میکند
 و دهقان فقیر هم که نسیانند آنرا ببرد باز هم مجبور
 میشود آنرا نگهدارد. و یا اگر دهقان فقیر بگوسفندی
 داشته باشد و بخواهد از مالک ارضی و یا دهقان مرفه
 بگندم و یا بپول بخر کند (که اکثر مواقع گندم میخواهد)
 ولی در بعضی مواقع که میخواهد بشهر بیاید پول را
 ترجیح میدهد و دلیل آن این است که بیشتر اکثر اینست
 که یکی از اهل خانواده بر بیاض است و میباید پیش از بکر
 بزده شود (که این چنین چیزی خیلی اتفاق میافتد
 آنها میگویند: "من گندم و یا بپول بخر میدهم ولی
 دیگر از تو بپول نخواهم بخرم. آنکه با گوسفندی که
 برای شریک میخوم و باز هم دهقان استشار
 میشود. و یا اینکه دهقان فقیر در روستان و از مالک
 ارضی و یا دهقان مرفه گندم بخر میکند و در تابستان
 برای او کار میکند تا اینکه ترشی را که گرفته حیوان کند
 ولی مالک ارضی و یا دهقان مرفه چندین برابر او را
 استشار میکند.
 دهقانان فقیر مقدار ارضی که بدکاند از راهها
 خوارها دارند هر سال بدینتر میشود. آنها هم بدلیل
 اینکه از بدکاند از راهها اجناس سبیه میخرند بدست استشار
 میدهند. در تابستانه های آنها همه کار میکنند.
 آنها ۲ تا ۳ ماه به ۱۰ میروند و کار می کنند. زنان
 مردان و بچه هائی که با این طبقه تعلق دارند در
 مدتی که در کار میکنند، مزد آنها بپول حد اکثر
 ۵۰۰ و حد اقل ۱۰۰ تومان میباشد و ولی با اینکه
 تمام سال را با بوه کرده کار میکنند، بیشتر مواقع
 گرسنه اند و بوشاک گاو شری ندارند و خانه هایشان
 هم حالی است. آنها باید هر سال بقدر کارشان در
 ۱۰ اضافه کنند تا بشود حد اقل این زندگی پر از
 مصائب و اذمه دند. این طبقه اکثریت در روستا
 میدهند. در حدود ۱۰ درصد افراد ساکن در روستا
 دهقانان فقیر میباشند.
 ۳- کارگران کشاورزی. افراد این طبقه در حدود
 ۲۵ درصد اهالی را تشکیل میدهند و بدین نای هیچگونه
 وسایل تولید ندارند و ولی بعضی از آنها مدار نا بدینی
 زمین احاره ای دارند یا اینکه مقدار ابرار تولید. این
 کارگران به طریقی کار میکنند:
 ۱- کارگرانی که برای تمام سال با یک مالک ارضی و
 یا دهقان مرفه قرارداد دارند و تمام سال را برای او
 کار میکنند، و در بعضی مواقع تمام افراد یک خانواده
 برای تمام مدت سال برای یک مالک ارضی و یا دهقان
 مرفه کار میکنند. مثال مشخص در روستای مالک ارضی
 یک خانواده را آجیز کرده که تمام کارهای او را در تمام
 مدت سال انجام میدهند. تعداد افراد این خانواده
 چهار نفر است. این خانواده بشمار تازه ای مزد صاحب
 کار میدهند. برای او در آسباب نیز کار میکند و در
 بعضی از مواقع که صاحب کار خود شکاری دارد و کسی
 دیگری کارگر میخواهد، افرادی از این خانواده و یا
 تمام خانواده را برای آن فرد میفرستند. مزد این خانواده
 در سال ۱۰۰ کیلو بپول حساب کنیم. ۵۰ تومان است. در
 بین این کارگران افراد خرد سال هم دیده میشوند که ۷

سال - تن دارند و اگر مزد آنها را به بپول حساب کنیم
 ۵۰ تومان است. مزد این کارگران از کارگران خرد -
 سالی که مدت سه ماه بصورت قراردادی کار میکنند بقدر
 بسیار زیادی کمتر است. در آسباب ها نیز باین طریق
 اخذ میشود و برای تمام مدت سال باید در آسباب کار
 کنند - البته در مواقعی که آسباب کار میکند.
 ۱- کارگرانی که برای مدت تابستان در روستا اجیری -
 شود: این افراد مدت سه ماه برای صاحب کار در روستا
 کار میکنند. و مزد آنها را اگر بپول حساب کنیم از ۲۵۰
 تومان تا ۳۰۰ تومان نمیکند. این کارگرها بجه سال را به
 ۱۰ میروند و در آسباب کار میکنند. بعضی از افراد
 خرد سال را نیز برای مدت سه ماه اجیر میکنند که با آنها
 اگر بپول حساب کنیم ۲۰ تا ۱۰۰ تومان بپول میدهند.
 حیوان ها هم جزو این گروه میباشند و برای مدت سه
 اجیر میشوند. آنها ۵۰ پیج چیزی از خود ندارند. مزد
 آنها بسیار ناچیز است و حد اکثر مزد یک حیوان کار برای
 یک گاو در تمام مدت زمانی که میشود گاو را برای چرا
 بکوه ببرد. اگر بپول حساب کنیم ۶ تومان میباشد. این
 مدت چرا هشت ماه طول میکشد و برای گوسفند ۳
 تومان و ۴ ریال، و برای بوه ۲۰ ریال میشود. البته
 باید دانست که مزد آنها را بوسیله گندم میبرازند و
 برای آنکه مزد آنها را در فصل خرمن میبرازند و در
 آن فصل گندم ایزان است مزد آنها از این مقدار هم
 کتر است و چون این قیمت بالاترین گندم است. البته
 این حیوانات چندین بار گاو و گوسفند و بز به کسوف
 میبرند، و چون در فصل زمستان دامها در خانه ها
 هستند، آنها هم برای کار به ۱۰ میروند. ولی البته
 مدت کمی کار میکنند. هستند چون باز هم باید به
 بیابند و بجایانی ادامه دهند.
 ۳- کارگرانی که روزمزد میباشند. در مدت سه ماهی
 که در روستا هستند، هر کسی که کار داشت، برایش بطور
 روزانه کار میکند. مقدار مزد آنها برابر است با مقدار
 مزدی که یک حیوان برای یک گاو در تمام مدت چرا میگیرد
 این کارگران بعد از اینکه کار در تمام میسر به ۱۰
 میروند و بقیه مدت سال را در آسباب کار میکنند.
 ۴- حلوبین: این افراد در اقلیت بسیار
 ناچیزی هستند. آنها با گدائی کردن در روستا اندند
 آنها در فصل خرمن و وقت سیه به خرمن و باغات میروند
 و گندم و جوجه بپول یا سیه میگیرند و بدین طریق
 زندگی میکنند. بیشتر دهقانان میانه حال و دهقانان
 فقیر و کارگران کشاورزی با آنها کمک میکنند. یکی از آنها
 دیوانه و کراست و بقیه بعنوان اینکه سیه هستند
 گدائی میکنند.
 توضیحات
 ۱- بپولی است که دولت بعنوان اجاره زمین ها میگیرد.
 ۲- بپولی است که دولت بعنوان مالیات آب و چشمه ها از
 دهقانان میگیرد.
 ۳- بپولی است که دولت بعنوان مالیات از هر درخت میگیرد.
 مقدار این مالیات برای هر درخت یک تومان است. چه
 درخت سبزه باشد چه نیات.
 ۴- بپول گاو و بپولی است که چندین سال پیش دولت به
 افرادی که گاو نداشته اند ببقدر با نقد تومان بدین
 و چون در تبعید این بپول را برده اند و هر کسی که بپول
 گرفته برای تبعید لباس و غذا برای خانواده اش خریده
 و نتوانسته گاو ببرد. دولت نیز برای همین بپول را در شب
 برد داده است که کسی نتواند گاو ببرد. حال بعد از
 بپولی با چند تومان تا نولتر بپول رسیده است و کسی
 بپولی ندارد که بدولت ببرد آورد.
 بقیه در صفحه ۵

سیاست انقلابی را تبلیغ کنیم

جنبه نهم جنبش ملی ایران اکنون در مرحله است که مسئله پیوند مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را با توده های ملیزمن زحمتکشان ایران بشماره عدله و طبقه کمونیستهای ایران قرار دادیم است. وحدت کمونیستها و انقلابی های مارکسیستی - لنینیستی ایران، به مثابه این ضرورت در ایجاد حزب طبقه کارگر ایران، تنها بر مبنای چنین سمت حزبی میتواند جامعه عمل پیوند حکومت دست نشانده شاه و رولده کثرتی با تمرکز نسبی که در کشور ما وجود آورد و با استفاده از دستگاه های جنبشی خود - ارتش، پلیس و سازمان امنیت - میگویند تا اگر از چنین پیوندی جلوگیری نماید، هسته های انقلابی را در دم از میان بردارد و از نفوذ آنها در افشار وسیع طبقه کارگر و دهقانان و سایر توده های خلق جلوگیری کند. بویژه شاه و اربابان امیر - بالاییست از نفوذ اندیشه مائوتسه دون توسط این هسته ها در جهت پیمانکاری شاه حتی در یکی از مجامع نمای تبلیغاتی - تی خود. باین مسئله اشاره کرده بودیم. در حقیقت رژیم امیر رنما خان همچون جن از "اوراد" اندیشه مائوتسه دون در فضای ایران وجود ندارد.

شرایط ضروری و اختیاتی که لایکن در جامعه ایران چیدگی پیدا کرده بی شت، پیوند این هسته ها و سیاست انقلابی را با توده های زحمتکش و بسج و سازماندهی در میان آنها را دشوار مینماید و ظاهراً اجازه نمیدهد که هسته های انقلابی - بویژه هسته های کمونیستی - در میان مردم پایب بگیرند. زولی آنچه مسلم است، مسئله پیوند این هسته ها با توده های انقلابی، یعنی مسئله پیوند جنبش سیاسی روشنفکران انقلابی با مبارزات عمومی خلق امریست ضروری و غیر قابل اجتناب. بدون اینکار، نه میتوان با امر ایجاد ساز - رمان رهبری کننده انقلاب توفیق یافت و نه جنبش را مرحله عالیتر انقلاب توده ای هدایت نمود. بنابراین درنما از همیشه پیوند با توده های مردم، و بطور کلی بسج و ساز - ماندگی آنها و نیز راه های مناسب برای این بسج و ساز - ماندگی حائز اهمیت است.

مجموعه مبارزات مردم که با واقعه اتوبوسرانی در ترم استند ماه ۱۳۴۸ آغاز گردید، نشان داد که تمام دسته ها و کار تبلیغاتی رژیم در مورد "فرم" ها، انقلابات مختلف وی در وی و "پیوند" شاه و مردم حقدری پایه بوده و خلق ما علیه تصور رژیم فرستاده های امیر - یالیم و جاگرائش را نخواهد خورد. واقعه اتوبوسرانی و مبارزات موج وار بعد از آن، بزرگترین بحران سیاسی - مبارزاتی بعد از پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بود و در جنبش کمونی مردم ما دارای اهمیت تاریخی است. جنبش دانشجویی - شی ایران (در داخل کشور) رونق و شادابی نوین گرفت. هسته های رزیده سیاسی که از درون آن برخاسته بودند سطح فعالیتهای خود را بالا بردند و در جهت پیوند با زحمتکشان ایران مبارزه را بخیا بانها کشیدند. در این دوره دانشجویان و روشنفکران و روحانیون مترقی (به مثابه قشرهای روشنفکری خرد و بزرگوار ایران) بویژه نقش عمده ای داشتند و زودتر از دیگر افشار و طبقات خلق بر - خاستند. این ویژگی همه انقلابات دنیا است و همین ما هم استثنا نیست. قیام سیاسی دانشجویان و جوانان بی شت، مقدمه است که با پیوند خود با توده های زحمتکش، قیام توده ای خلق را مدنیال خواهد داشت. در ستاخص سیاسی دانشجویان و عناصر روشنفکری علیه حکومت تودال - کیمبر در ایران و امیر یالیم بی شک جریانهای سیاسی گوناگونی ظاهر میگردد. جریان اصلی تکمین و رشد و توسعه

رویتونیم حزب ...

خاطر نشان کرده است و ضد انقلابیون و مرتجعین به پیروی از راه و رسم تپس مغزانی "سنگس" را که به بلند کرده ماند، هانست روی پای خود شان خواهد افتاد. "دار و دسته ارتعاشی رویتونیمستهای حزب توده" نیز باین قایتت بچار گشتاند. به هر دروغ بپردازیم، تعریف مارکسیسم - لنینیسم، قلب و جعل حقایق در برابر توده های حزبی و تهدید و ارباب آنها عاقبت به منفرد شدن و طرد خود شان انجامید ما ست.

تشکیلات تهران در سر مقاله شماره تیر ماه "ضمیمه ما - حنامه مردم" توانسته است تا حدود زیادی بازنمایی صحیحی از اوضاع جنبش در ایران و شرایط نوین مبارزه دست یابد و بنکات قابل توجه زیر برسد:

۱- که "در هده ساله که از عمر کودتای ناسمیون شاه و امیر یالیم میگذرد، هیچگاه دستگاه حکومت تا این حد در فساد و تباهی غوطه نخورده و مرکز نیروهای اپوزیسیون تا این پایه مبارزه و صف بندی گشایند نشده ماند. دستگاه شاه رژیم شاه علیرغم ادعای رویتن آنها بحفظ ظاهر دو - کراسی و پایه گذاری اقتصاد نوین و شربخس هر روز بنحو باوری در سراسر ایران و فقر و نا آبادی و نا توانی در اداره حکومت گامهای نوینی را طی میکند." (ضمیمه مردم - سرمقاله)

۲- که رشد مبارزه توده ها، اهتمامات پرولتاریا در ایران، مبارزات دانشکاهها و مدارس حره ای و دانش آموزان و تگ - یوی مذبحان رژیم در سرکوب این مبارزات "هنگی حکایت از ناسامانی های حکومت شاه - امیر یالیم دانسته و آثار زبان بخش و ضد ملی و ضد دموکراتیک آن بتدریج آشکار میگردد. ادعاهای بسج رژیم بحفظ ظاهر دموکراسی و آزادی و اکانی و لاطلاعات شاه در باره برنامه های ظاهرا انقلابی بتدریج توده های مردم را بحد واقعات آشنا ساخته و آنان را به صفوف مبارزان میگرداند." (همانجا) دیگر آنکه، بویژه برنامه های باسطرح "اصلاحات ارضی" شاهانه بر ملا شده و دهقانان "آگاهان با اعمال حکومت درگیر گشته اند ... و اینک درگیری ژاندارما و توتیف و آزار دهقانان صده تاز ای از مبارزات آینده را در روستاها ترسیم میسازد." (همانجا)

۳- که رشد مبارزات توده ها و مقاومت های آگاهانه خود بخودی در برابر تحمیلات رژیم، بویژه جریانهای اخیر از قبیل مبارزه توده ای علیه تزاید کرایه اتوبوس در تهران، تظاهرات بی دری مردم علیه امیر یالیم و صهیونیستها و غیره نشان میدهد که "این درگیریها روشنگر ستوه و عصیان مردم است که با رهبری صحیح و منطقی و با ایجاد شرایط ذهنی وسیع و هه جانیه میتوان نتایج شربخس برای مبارزه حتیای ایران در بر داشته باشد." (همانجا) که از طرف دیگر، تلاشهای مذبحان رژیم جهت تخمیر و تبدیل سهمند اداری - نظامی خود، مالیتهای کمرشکن و فشار مابهرین دولتی که توسط امیر یالیم و صهیونیستها تربیت شده اند و غیره "همگی از بحران عمیق در کار مدیره حکومت دلالت بر عجز و ناتوانی در ادامه حکومت و از ناحیه عمال رژیم دارد." (همانجا)

۴- که "واقعات عینی ... حکایت میکند که فعالیت توده ها اوج گرفته است، که با بهره برداری از این شرایط مناسب میتوان راه و ازگونی رژیم سلطنتی را از هر جهت فراهم کرد. حکومت تدریجاً شاپسنگی خود را از اداره کشور با اشکری عوامفریب و فشار و اختیاتی از دست میدهد این حقدری است انگار نشدنی که در پارکوت هده ساله شکسته شده است و شرایط عینی بطور محسوسی بسج مردم تخمیر کرده و وضع انقلابی بتدریج فراهم میگردد و باز این حقدری است باز که کزبانه در ایجاد شرایط ذهنی مناسب

در داخل کشور صمیمات گدی شرایط عینی را فراهم ندهد است. این لفاظی و باحراحتی نیست، این جزئی از حقیقت است که کشور ما آستین حراوتی از تنگنا و جنبشهای مردم میگردد و باز این جزئی از واقعیت است که حکومت با تپس های دیرین و ابتکاری خود نیز قادر باداره نیست. زبرد ستا نخواهند و زبرد ستان نمیتوانند. اینست شرایط عینی کشور ما: (همانجا)

تشکیلات تهران با بدست دادن ارزیابی نسبتاً صحیح فوق از جنبش مردم ما و شرایط جدید حاکم در کشور روس - الواقع در جهت مرز بندی با "عیران" خائن حزب توده، "رهبرانی" که دور از میدان مبارزه و در رختخوابها گرم و نرمشان در خارج از کشور لیده اند، حرکت کرده اند. "رهبری" رویتونیمست و کارگود نشی در پاسخ بنظرات فوق مانند همیشه به توجیه اپوزیسیون مواج خود میرد از رویتونیمستهای حزب توده، به پیروی از فاده محسول همه رویتونیمستها، منکر شرایط عینی انقلابی در ایران بوده و بویژه رشد محسوس جنبش مردم را در دوره کثرتی نفسی نمیکند. با وجود تمام مبارزات خود بخودی توده ها، انتصا - بات و تظاهراتهای بی دری و ناسامانی در دستگاه های اداری - نظامی هیئت حاکمه و طرد علی و توده ای برنا - مه های نو استعماری رژیم از جانب مردم، بنظر دستگاه "کمینه مرکزی" اینها فقط "تکجوشها، اقدامات حد ابدای افراد و گروهها" - و باین موضوع توجه کنید - "جسوترو خرویش انقلابی ما بانه عناصر بسج و رویتونیمستها و نه جریان نوین مبارزاتی که در حال در بر گرفتن توده های وسیعی است." (نقل قولها از مقاله "ارتعاشی وضع کمونی ایران از لحاظ جنبش" مردم - شهریور ۱۳۴۲) رویتونیمستهای حزب توده با تحریف و قلب واقعیت عینی در ایران، سعی میکنند چنین جلوه دهند که ارزیابی "سرمقاله ضمیمه مردم" از چگونگی شرایط جنبش در ایران نتیجه اطلاعاتی و بدقیقند ایشان از "تحلیل بارکسیستی - لنینیستی وضع انقلابی در جامعه ... و بی اغنتائی به تشریح انقلابی" است. به بهین جفرات "تشریح" چگونه برای توجیه مواضع خود از مارکسیسم - لنینیسم استفاده میکنند:

"تحلیل حزب ما حاکی از آنست که در شرایط کمونی، هنوز وضع انقلابی در کشور بوجود نیامده است. مشخصات وضع انقلابی را نشن روشن ساخته است: این مشخصات عبارت است از بالا رفتن قوت العاده و بسامانته فعالیت انقلابی توده ها و آمادگی آنها برای جاننازی بر راه هد با انقلابی از سوش و عجز دستگاه دولتی برای اداره امور کشور یعنی بروز بحران عمومی در نظام موجود از سوی دیگر." (همانجا)

لنین بدستی خاطر نشان کرده است که وضع انقلابی موقعی ایجاد میشود که هم طبقات حاکم و هم طبقات مستند بده جامعه دچار بحران گردند، طبقات حاکم نتوانند به شیوه های گذشته سلطه استشارگران خود را ادامه دهند و طبقات مستند بده نیز دیگر تحمل وضع موجود را نکرده و در بی راه هائی جهت سرنگونی رژیم موجود باشند. لنین در همین حال عامل دیگری را نیز در ایجاد وضع انقلابی ذکر میکند و آن وجود عناصر آگاه با سازمان رهبری کننده جنبش است. تلفیق این عامل با شرایط بحرانی موجود میتوانست باعث سرنگونی رژیم شده و بپیروزی انقلاب با باعث گردد. ولی نقطه نظر لنین از بوجود آمدن وضع انقلابی، بوجود آمدن آنچنان وضعیتیست که از طریق یک قیام عمومی بتوان رژیم را سرنگون کرده و بپیروزی خلق را محرز ساخت. نه وجود آنچنان شرایطی که بتوان با بسج و تشنگ توده ها مردم در جهت سرنگونی رژیم کام برداشت. تحریف لنین ازجا تب رویتونیمستها درست در همین جا ست. آنها در حقیقت منکر وجود شرایط انقلابی و آمادگی جامعه ما برای یک انقلاب بقیه در صفحه ۲

سیاست انقلابی را ...
جنبش مردم ما مسلماً در برخورد و مبارزه علیه جریانهای
نرانیسهای نادرست سیاسی رشد و صیقل یافته و با عبور
از راه های مناسب پیوند با توده های زحمتکش و انقلابی
ان را بمرحله نوین و عالیتری ارتقاء خواهد داد. روشنگر
ان انقلابی و در پیشانی آنان و روشنگران مجیز سیاست
سروانرانی و اندیشه مائوتسه دون با درآمیختن با زحمتکشان
ایران نقش اساسی خود را پشاه انتقال دهنده سیاست و
اندیشه انقلابی ایفا خواهند کرد. ما در اینجا و اینجا
میدانیم بگوئیم که بحث و برخورد رزنده و خلاق به جریا
نیا و احیانا تالیات فکری و سیاسی درون جنبش و بویژه در
رابطه با دست یابی به مسیر اصلی جنبش نوین کمونیستی ایران
در ارای اهمیت است. ...
نوع برداشت ما از هر جنبش و نقاضی از آن که میورن
تالیات ما قرار گرفته و پرچمیده میشود و در نتیجه در سها
یو به پندار خود از آن جنبش اخذ میکند و نشانده
آن راه و نوم فعالیتی است که در حال و آینده ... آگاه
نا آگاه ... خواهان پیتر گرفتیم. برداشت اگونیستی ...
مبارزات اصلی مردم و تاکید روی نقاط اقتصادی آن لزوماً
را بدان جهت خواهد بود که راه و فعالیت اگونیستی
را تحویز کنیم و با شاید برعکس و تایل بین نظرگاه
اصحیح بناچار برداشتهای ناصحیحی از هر مبارزه ای بیار
حوادث آورد. درایت حمله بگوئیم: جمعیتی ما از هر
جنبشی و درسیاتی که از آن جنبش میگیریم نشانده
بند. ایند ثلوث و سیاسی ماست و یا آنکه دست کم تالیات
نثرو و سیاسی ما را در یک مظهر زمانی نشان میدهد. باید
تالیات ناصحیح را شناخت و برنقا هشدار داد.
... مقاله "در شهابی چند"
از مبارزات اخیر " وجود چنین تالیات اشتباهی را میتوان
مشاهده کرد. گذشته از سبب قالبی مقاله که متاسفانه بجای
تحلیل و بررسی مبارزات مردم در پرتو تئوری انقلابی کوشش
در رفتار دادن جنبش در تعاریف مارکسیستی نالینینیستی
میباشد (یعنی نه تحلیل مبارزه در پرتو تئوری، بلکه بیشتر
تدلیل تئوری در پرتو مبارزه) - برداشتهای نادرستی از
مبارزات مردم و ایدئولوژیستها بدست میهد. از نقلیه
سخن " ستاره سرخ " مدوری که بدور آن باید توده های وسیع
را بسی و متشکل نمود، مسائلی در زمینه " نقد و برنج
سختن و بوتاکت و راجان " است. ازیک نقل قول صحیح
رفیق مائوتسه دون که سلسله مسائل روزمره زندگی خلق
را در بد نظر کمونیستها قرار میدهد و آنان را بپوشه نایب
مسائل و پیوند این مسائل با وظایف اصلی مبارزه (نثر
چین و پیوند این مسائل با جنگ انقلابی بود) فراموش خواهد
یک برداشت بسیار اشتباه میشود. " ستاره سرخ " جنبش
وایدود مینماید که اهمیت عمده و واقعه انبوسترانی و مبارزات
ناشی از آن درست در طرح یک شعار اقتصادی مناسب
مانند " مسئله بهیایه گرایه انبوس " که یک مسئله زندگی
روزمره توده حاست بود - و در این سطح آگاهی مردم
ماست. به عبارت دیگر، معیار کنونی ما برای تعیین شعار
عبا. مناسب جهت بسیج توده های مردم، و نیز تبلیغات
املی ما باید در چنین سطح اقتصادی باشد؟ که اگر از
حسین شمارها و تبلیغات - شروع کنیم "توت" با نتیجه
بایسته سطح آگاهی سیاسی مردم ما حوست و مبارزه زود رنگ
سیاسی " بخود خواهد گرفت نایبمتی. " رنگ سیاسی گرفتن
مبارزه خود بدون حاصل میشود. با یکی توجه بواقعه
استفاد و مبارزات ناشی از آن مشاهده خواهیم کرد که
اهمیت عمده این مبارزه، در طرح یک شعار اقتصادی مناسب
سید و این برداشت در عمده در طرح یک شعار اقتصادی مناسب
شده است. عمده این مبارزات دست در پیوند صحیح
راست اقتصادی با مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی و ضد

رئیزی بود. " ستاره سرخ " با تالیات عمده روی شمار اشتراک
دی و نتیجه گیری نمودن همه چیز از این شمار و نیز خود
بخودی دیدن رشد مبارزه بیک جریان ضد امپریالیستی
و بعد رئیزی و در حقیقت از یک طرف وظیفه کمونیستها را
عمده در طرح وحل مسائل زندگی روزمره و اقتصادی
نموده ها میبیند. و از طرف دیگر نقش عناصر آگاه و تشکل های
رزنده و سیاسی را که بهمی دهد. اوتوجه نمیکند که وظیفه
عمده و با سمت کار کمونیستها نه در طرح و رسیدگی بزندگی
روزمره اقتصادی توده ها بلکه در افشاشری سیاسی رژیم و
در تبلیغ سیاست انقلابی و در پیوند این افشاشری و سیاست
با زندگی روزمره توده ها و شرایط اقتصادی موجود آنهاست.
اهمیت عمده مبارزات اخیر هم در همین بود. نقش عناصر
آگاه و تشکل های رزنده و سیاسی در این مبارزه نیز در همین
بود. اگر مبارزات اخیر فقط به علت اینکه " سطح آگاهی
سیاسی مردم ما خوبست " و نیز به علت اینکه " عکس العمل رژیم
در این مورد خود کت بافتاشی آن نمود و بدین ترتیب
مبارزه از حدود اقتصادی خارج شد و جنبه ضد امپریا
لیستی و ضد رژیم گرفت " بیک جریان ضد امپریالیستی و ضد
رئیزی بدل شد - پس دیگر کار کمونیست با تشکل های
سیاسی چیست؟ چگونه است که یک نشریه دانشجویی مانند
" آذر " شماره ۳، فروردین و اردیبهشت ۳۴ (تحلیل
بآن خوبی از مبارزات اخیر بدست میدهد و یک نشریه ای
که خواهان کمونیسم و بسیج زحمتکشان است این چنان
عقب مانده مسائل را مینماید؟
... " ستاره سرخ " مینویسد: " شماره ۱۱ مبارزات توده ما
باید حتماً دارای معیاری باشد که پیروزی آن مطمئن باشد.
در مبارزه کارگران یک کارخانه مثلا اگر شمار این باشد که
کارخانه باید مال کارگران باشد، پیروزی آن ممکن نیست.
نیز صاحب کارخانه و نظام ارتجاعی هیچگاه باین امر
در نخواهند داد. " (تکیه بر جملات از ماست) گذشته
از آنکه از محسن گل مقاله چنین استنباط میشود که پیروزی
در یک مبارزه را فقط در یک پیروزی اقتصادی قابل لمس
می بیند و نه در پیروزیهای سیاسی که لزوماً چیز قابل لمس
مانند پایش آمدن گرایه انبوس در آن امکاناً نخواهد بود.
در یک کاملاً ناصحیحی از چگونگی رشد مبارزه مردم علیه رژیم
دارد. از نقل قول بالا بسارگی میتوان نتیجه گیری کرد
که در شرایط تسلط ارتجاع نباید شمارها و خواسته های
را مطرح نمود که نتوان با یکی فناره رژیم را انجام آنها
وادر کرد؟ " ستاره سرخ " میگوید " برای کسب پیروزی
شمارها و خواسته های تعیین کنیم که ارتجاع بآن تن در
دهد و زیرا در غیر اینصورت " صاحب کارخانه و نظام ارتجاعی
هیچ گاه باین امر تن در نخواهند داد " و تا زمانیکه
مبارزات در زیر سلطه ارتجاع انجام میگیرد باید این تاکتیک
را همواره در نظر داشت. " معلوم نیست دیگر چگونه می
توان در جهت سرکونی رژیم ارتجاعی شاه کام برداشت.
اگر همیشه آنچنان شمارها و خواسته های مطرح کنیم
که رژیم قادر به " تن در دادن " بآنها باشد، یعنی
شمارها و خواسته های در چهارچوب امکانات سیستم موجود
وجود یعنی شمارها و خواسته های رژیمیتی - پس،
حتماً از همین طریق رژیم را هم میخواهیم سرنگون کنیم و رفتا
باید توجه کنند که شمارهای مناسب در هر مرحله مبارزاتی
در پیرویه انقلاب بمرکزیت نه فقط بر مبنای درجه قدرت
ارتجاع بلکه همچنین و بیشتر - مبنای درجه تسلط
رزنده و تشکل و آگاهی خلق و رایاها متقابل میان آنهاست
تعیین میشود. " ستاره سرخ " در یک جا اهمیت مبارزات
اخیر را آنقدر بحررر اعلا میبرد که حتی عر سه اصل مائو
تسه دون (حقیقت و فایده بردن و اندازنگهداری) را
تقریباً بی کم و کاست در خود داشته و از جانب دیگر آنرا
بمثابه یک جنبش اقتصادی که معلوم نیست نقش " گره های کم

و بهیشتنکلی" که " رهبری این مبارزه " را در دست داشته
اند چه بوده؟ تصویر گزیده است (زیرا سلیق شدن جنبش
را نتیجه " سطح آگاهی سیاسی خوب " توده ها و " عکس
العمل رژیم " می بیند و پس)؟ بدینسان کم بها دادن به
نقش عناصر آگاه و تشکل های سیاسی لزوماً کم بها دادن
بنقش حزب سیاسی - حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه
کارگر - منجر میشود. " مبارزه در مجموع و بطور عمده در
موقع مناسب قطع شد. البته اینجا و آنجا نشانه های اراده
آن نیز چشم میخورد. " (ستاره سرخ) ولی اگر حزب مارک
سیستی لنینیستی بود میتوانست " مبارزه را واقعا در
موقع مناسب قطع کند، دستاوردهای خلق را حفظ کند و از
تلفات نیروی خلق جلوگیری نماید. " (ستاره سرخ) بنابراین
تنها کمبود مبارزه (که آنهم دلیل فقدان حزب بود) این
بود که مبارزه واقعا در موقع مناسب قطع نشد، اگر چه بطور
عییه اینکار انجام گرفت. یعنی، اگر حزب مارکسیستی
لنینیستی بود تنها مصرفش همین بود که بتواند مبارزه را در
موقع مناسبتری قطع کند؟ البته با فاعه اینکه " دستاوردهای
خلق را از انهم آنچه اندک از مطالبه بر میاید عبارتست از پایش
رفتن در باره گرایه انبوس حفظ میگرد " (مگر گرایه انبوس
دو باره بالا رفت؟) و شاید همین و پس؟ ما در اینجا
دیگر سخندلمان را در این باره قطع میکنیم. فقط این را
میگوئیم که اگر این تالیات ناصحیح که بی شک میواند بهیک
جریان اگونیستی بدل شود، زودتر بررسی و طرد نگردد،
سیاست جریان نایدیری بیار خواهد آورد. ...
... خلاصه کنیم:
... وظیفه کمونیستها و گویه هسته های مارکسیستی شد
لنینیستی در دوره کنونی پیوند اندیشه مائوتسه دون پس
توده های زحمتکشان ایران است. این بدان معناست: مبارز
ماند می- سیاسی توده های زحمتکش توسط کمونیستینان
هسته های مارکسیستی - لنینیستی، ایجاد هسته های بغلی
در میان زحمتکشان، تبلیغ و تهیج سیاسی در پرتو سیاست
انقلابی مائوتسه دون و افشاشری سیستم پوسیده فئودال
کمپرادر ایران در رگیه جوانیش، و تدارک مبارزه مسلحانه
مردم ایران.
... کار عمده ما رسیدن بزندگی روزمره مردم نیست، بلکه
پیوند زندگی روزمره آنان با سیاست انقلابیست. بدون اینکار
نیتوان سیاست را در مقام فرماندهی قرار داد. این بدان
معناست که مسائل روزمره زندگی مردم نباید توجه کرد و
یا شعار اقتصادی مناسب طرح نمود. این بدان معناست
که سمت کار ما نه حل مسائل روزمره توده ها و بهبودی وضع
اقتصادی آنهاست، بلکه سمت کار ما تقویت نیروی سیاسی
توده ها و ارتقاء آگاهی سیاسی توده ها و بسیج و تشکل
سیاسی آنهاست.
... اهمیت عمده مبارزات اخیر مردم (۳ اسفند و بعد)
در طرح یک حواست اقتصادی نبود، بلکه در پیوند صحیح
این حواست اقتصادی با مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی
و ضد رئیزی بود.
... کم بها دادن بکار سیاسی در میان توده های مردم
و در عین حال تشویق توده ها بعمل خود نشان تا خود به
" نتایج " سیاسی رسند و در نتیجه تاکید روی عمل توده ها
بدون جهت سیاسی چیزی نیست مگر تالیات باجماع گسری
(اگونیسم)
... در این زمان که ارتجاع فاسد ایران حکومت جاگرتن
و خائن شاه، با حمایت امپریالیستها و صهیونیستها و به
یاری ارتشو ازمان استبداد دستا پلیسی - سیاسی سعی
در سرکوب مبارزات مردم، نابودی هسته های سازماندهی
انقلابی و جلوگیری از پیشرانه پشه ها و سیاست های انقلابی
بقعه در صفحه

به پیشی و وحدت و جدت و نرا

در میان توده های مردم و بویژه در میان توده کارگران و دهقانان ایران مینماید و وظیفه هر کمونیست و هر تشکیلاتی است که در جهت پیوند رزنده با توده های

زحمتکش مبارزه مسلحانه عظیمی را علیه رژیم پوسیده شاه برپا بیاورد تا در مدت و در این زمان مسلط و وحدت تمام بناچار بر توده های محافل و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی ایران جهت یک سازماندهی وسیع سیاسی و برای داشتن مبارزات طبقاتی و تدارک مبارزه مسلحانه و دفاعی امریست ضروری و غیر قابل اجتناب - وحدتی که ضرورتاً بسا

انتقاد و مبارزه متقابل همراه خواهد بود.

در میان تمام کمونیستهای ایران - ابعاد حزب کمونیست بدین معنا نیست که یکی جلو بماند و حرفه او برزند و بعد هم اعلام حزب کند و آنوقت بدین کمونیستها و هسته های کمونیستی بگوید بفرومائید یعنی آهسته آهسته احتمال این را میدهند که خسرو پنهانی حزب را تبدیل شوند و این شک به نیاید تا صحنی مهلا گشته اند.

در بین همه ایجاد حزب کمونیست بدین معنا نیست که کمونیستها بر میان توده ها گیر نکنند و فعلاً در مجامع روشنفکرانه بحثهای آید تئوریت و شعارات بیرون آرند تا مژگانها و بدنی بوجود آید و بعد اعلام حزب شود و آنگاه حزب میزبان توده ها رود. اینگونه گمان مسلماً هنوز به گشت و گذار آلامتک متشکلند.

ایجاد حزب کمونیست یعنی وحدت کمونیستهای مبارز پیوند چندین کمونیستی ما توده های زحمتکش

بدون سمت کار در میان توده های زحمتکش و برپا داشتن مبارزات طبقاتی و گسترش جریان سیاسی انقلابی در سراسر کشور و تدارک مبارزه مسلحانه علیه رژیم در میان توده های دفاعی (و نه در میان روشنفکران) و وحدت رزنده کمونیستهای ایران حاصل نخواهد گشت.

بدون حرکت در جهت وحدت پیشروترین عناصر جامعه - یعنی کمونیستهای انقلابی ایران - نمیتوان به حفظ انرژی و ثبات و پیوستگی تار و عمه جانبی بودن فعالیتها در سراسر کشور و روش و تدابیر مبارزه در هر منطقه نائل آمد و حزب کمونیست ایران را بوجود آورد.

به پیش در جهت ایجاد حزب کمونیست ایران بر بنیاد پیوند آندیشه مائوتسه دون با مبارزات زحمتکشان ایران! - زنده باد وحدت رزنده کمونیستهای ایران! - برگ بر شاه و امپریالیسم و رازگون باد نظام پوسیده تود - ان - کپورادر ایران!

عروسی کسی اینسور و آتور پلگیکه و خواست از گوشه ای خاراج شود که همورسک سرخ دیگری سرخورد. دست هم را گرفتند و... بعد دیگری و دیگری تا حدی عروسک بزرگ و کوییت سرخ وارد شدند. دسته دسته حلقه زده بودند... ناگهان... لب پسرکه گل سرخ درست شد. درست زبیا پسر... - محمد بهرنگی

هررسی یک روستای... ۱۳ - پولی است که کسدا سالافه از اهالی میگردد. ۱۴ - پولی است که صیاب سالانه از اهالی میگردد. به جز آن، پولی است که هر وقت بخواد بشی آب بدهد میگردد. البته باز هم باید توضیح داد که اگر کسدا گرانتر باشد نسبت به پول و گدم میگردد. ناتمام

گزارش سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست دهمند (م - ل)

(موسسه شکوره در مه ۱۱۷۰)

تاکید کرد. تاریخ مبارزات دوری حزب ما از زمان فکرها بستم حزب کمونیست شوروی و نشان میدهد که جناح راست رویکرد بونیستی بوسیله کارهای جناح چپ انقلابی بارها شکست خورد و است و ولی بعلمت نوسان نیروهای متزلزل بینابینی و بیرونی نیروهای چپ بپایان نرسیده است استحکام با نیت و نیت برای تاریخ مبارزات دوری حزب ما نشان میدهد که بینابینی گری، پست ترین سلاح رویزینیتبیا سناست و باید با تمام نشانه های آن مبارزه شود. بینابینی گری سیاست انقلابی را زیر پا گذاشته و مبارزین را خلع سلاح میکند.

فخرش به آساز مبارزات ناشال باری و نقطه عطفی در تاریخ انقلاب همدند بود. زمانیکه رویزینیتبیا حریف بدلسر مامدند و سراسر هند را تاریکی فرا گرفته بود و رفیسوز دارا مازندار که مبارزات ناکمال باری را منتشر و رهبری نموده بود، توانست پسر بنیادی آموزش کبیر عذر مائو: " قدرت سیاسی از لوله تفنگ خارج میشود " و تلفیق آندیشه های مائوتسه دون بشرایط مشخص همدند، برای اولین بار در تاریخ کشور، تجزیه و تحلیل صحیحی از خصلت جامعه، ماهیت دولت و نقشه عظیم دهقانان در انقلاب دمکراتیک بنماید. مبارزات ناکمال باری تحت رهبری رفیسوز جارامازندار نشانه آغاز شکست رویزینیتبیم و شروع بیروزی اندیشه های مائوتسه دون در سر زمین همدند میباشد. از آن پس و با رهبری او، آتش مبارزات مسلحانه پارترزاتی دهقانان در سیرگاکولام و آندرا برانترخته و شعله های آن بسه یازده ابالت دیگر گسترش یافت.

در دوره همسوزی مبارزه بین دو خط بر سر تحریم انتخابات، مشخص کردن رویزینیتبیم شوروی بعنوان سوسیال - امپریالیسم و مبارزه علیه اکتومیس صورت گرفت. مبارزه شدید روی این موضوع و رهبری رفیق جارامازندار و صفوف انقلابی را مستحکمتر و قوی تر کرده و در نتیجه مبارزه به نواهی جدیدی مانند موشا هاری، لاکپور و خاری گسترش یافت. مسئله ساختمان حزب مبارزه دیگری در زمان همسوزی بود که به بیروزی منتهی شد. مقاومت روشنفکران در مقابل مرکزیت مائوتسک و درک شانسیزگی از حزب "خالص" انعکاس ستایز از جنبش خود بخودی در عقایدی مانند " ساختمان حزب از طریق مبارزه مسلحانه و از پائین " از جمله مظاهر خط غلط بود که شکست خورد و حزب با نشان دادن بیروزی خط مائوتسه دون راجع ساختمان حزب ساختند. بعد از ساختمان حزب و تحکیم بیروزی خط انقلابی بر خط رویزینیتبیم مبارزه بین دو خط وارد مرحله نوینسی کردید. خط رویزینیتبیم برای حمله بخط سیاسی ضدحییم حزب، بنام سازمانهای توده ای و جنبش های توده ای با خواسته های اقتصادی بعنوان لزوم وجود شرایط قلبسی برای توسعه مبارزات پارترزاتی و همچنین تشویق اعمالی بزرگ و ناشائلی برای توسعه مبارزات مسلحانه دهقانی با منگی بودن بروشنفکران خورده بیروزی برای تامل و توسعه مبارزات مسلحانه دهقانی و بدینان راهمبانی بنسوز زیر پا گذاشتن اقتدار حزب و تشویق چند مرزیت ذران افراد بیروزی بر خط غلط مبارزه را از ابالتی به ابالت دیگر گسترش داده و مبارزات مسلحانه دهقانان و صقه کارگر و روشنفکران خورده بیروزی را استوار نمود و در نتیجه ترحم نوینی آتلز شده است که مبارزات مسلحانه دهقانان بسا آفرینش امواج قیامهای توده ای و سرزمین پهنانور ما را در حریق بزرگی غوطه ور نموده و حزب موظف خواهد بود که امواج انقلابی را بجانب بیروزی نهایی در سرتاسر کشور رهبری نماید.

شکوه ما در زمانی برگذار میگردد که امپریالیسم آمریکا با متفق کاملاً تجاوزکارانه ای که ما را بهار روزهای مونسخ میان دازد و به تجاوز آشکار وی برده خود در کامیون اراده داده و جهت تجاوزکارانه را بسرتاسر هند و چین توسعه میدهد. همانطور که حرکت امواج هیکلزی به سیدلند آغاز چند، درم جم این بود. این حمله باآبانی میتواند جنگ جهانی سوم را سبب شود. ولی وضعیت امروز جهان تنها در برتوتجاوز و نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی نمیتواند شناخته شود. زیرا بر خلاف دوران مونسخ و پدیده نازای به رهبری حزب کبیر کمونیست چین بوجود آمده است. خلقهای سه کشور هندوچین متحد شده و جنبه واحدی بر علیه تجاوزکاران امپریالیسمی بوجود آورده اند. این نشانه بیروزی عظیم خلقهای هندوچین و پشته بکیدی برای درت شرایط جهان کنونی است. مبارزات ما علیه جنگ طلبان امپریالیستی باید این خطر تجاوز جدید و بیترتیبهای عظیم خلقهای هندوچین را در بد نظر داشته باشد.

در کشور ما نیز دولت هند زیر نقاب دفاع از کشور برای خدمت باحتیاجات و استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی با التهای متداول تدارک برای دست زدن به جنگ تجاوزکارانه میباشد. مستشاران شوروی و آمریکا در واقع گلیه سازمانها و تشکیلات دفاعی کشور ما را کنترل کرده و فشار خارج جنتی تمام شئون اقتصادی را از هم یاشیده و ملکت را به گرداب بحرانهای اقتصادی شدید و دائمی کشانده است. ولی در شرایط هند

پدیده دیگری نیز ظهور کرده است که بیروزی خلق را نشان میدهد و آن مبارزه مسلحانه دهقانان تحت رهبری حزب کمونیست هند (م - ل) میباشد. در عرض نشان امین مبارزه نقاط دور و وسیعی گسترش یافته است. از آسما هپا کسر - و بیزار از ابالت هند را در بر گرفته و هم اکنون نیروی محرکه تاریخ میباند. ماهیت رژیم دست نشانده کنونی و تو خالی بودن سیاست پارلمانی آن برای تمام مردم آشکار شده و خوشونت مبارزات طبقاتی افسانه گاندیسیم و " حرفه - جدی طمع جوانه " را شلانی کرده است. خوشونت مبارزات طبقاتی ماهیت خون آشام حکومت ارتشاهی فعلی را افشاء کرده و توده های وسیع مردم لزوم تیرد ناپود شده علیه این خون آشامان را احساس کرده و مبارزه در روستا با قدرت هر چه بیشتر گسترش مییابد.

ظهور حزب ما - حزب کمونیست هند (م - ل) - بیروزی توده های انقلابی و همدین بیروزی اندیشه قدرتمند مائوتسه دون در سرزمین هند است. مبارزات انقلابی مسلحانه دهقانی و مسلح باندیشه کبیر مائوتسه دون و ناگون بختان قدرت شکست ناپذیری مبدل شده است که امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم و ارتجاع داخلی قادر بدروم کوبیدن آن نیستند. بیروزی بدون وقفه مبارزات انقلابی مسلحانه دهقانان و گسترش آن شمام ایالات هند نه تنها یک حقیقت تاریخی است، بلکه تا کون بین واقعیت تاریخی مبدل شده است.

برای کس بیروزی ما باید متوجه ساختمان حزب خود - حزب کمونیست هند (م - ل) - یاشیم. این مبحثیست لازم ترین و مقدس ترین وظیفه توده های انقلابی هند است. ما باید حزمجان را در بین دهقانان بدون زمین و دهقانان فقر سازیم و زیرا این تنها تکیه گاه برای نیروی کوبنده انقلابی حزب و توده های انقلابی میباشد. طبقه کارگر و کارهای خورده بیروزی باید خود را بد هقانان بدون زمین و دهقانان فقیر پیوند دهند و این وظیفه پیوند را نمیتوان زیاد

زمینده کمونیستهای ایران

روشنی بتم...
 مورد تبلیغات و تفسیر و تامل...
 به نوبت حسنه است. از نطایق های هویدا تا ارجیف...
 راد یو ایران و نشریات درباری و غیره کاملاً آشکار است که...
 است. ترمذی بوجانه رژیم هراسان شاه و برای دفاع از "شش...
 افسی" شاهانه، چگونه در جهت وارونه کردن قضایا و...
 علت از رژیم هم روشن تر حقایق سبز میکند. بلندکوهان رژیم...
 مانند هویدا، چنین وانمود میکنند که "حقوق انجیر...
 در انجیریان دانشگاه در اصل مسئله ای بود افسی" (اطلا...
 عایت هوائی - ۲ مه ۴۹) و مضمون سیاسی و شعارهای...
 افکارانه ضد رژیم مبارزات اخیر دانشجویان دانشگاه معتدل...
 معمول "پاره ای هوائی مغرب" بوده و این فعالیت های...
 ضد انقلاب "یعنی ضد انقلاب" سفید" (عوامل...
 ضد انقلاب" خشم مردم ما را علیه این ضد انقلاب بخت...
 بر انگیزد و عمیقاً دفاع از آثار و نتایج انقلاب ایران...
 (۲۵-۳۰) انقلاب" شاهانه باشد (و ادا شده است!!)
 اطلاعاتی میباید به "پاره ای هوائی مغرب" معتدل...
 نگاه را عرصه فعالیت های فراز رده اند که نه و بطبعاً...
 شد. دانشگاهی دارد، نه حتی رنگ مسائل دانشگاهی...
 دارند. "قرار از اینهم بهتر" و این بر چه کسی پوشیده...
 است که در بر حقیقت، این "عوامل مغرب" همان توده...
 های دانشگاهی برهمنی هستند های رژیمه شاند که مبارز...
 تان از چهار جنب فعالیتها و مطالبات صنفی درون دا...
 شاهه گلابیرون بوده و در جهت پیوند قشرها تریا توده...
 های خلق ما دست یافتگاری سیاسی رژیم و در گیری ترمذی...
 زرات ضد امپریالیستی رده اند. جنس و دانشجویان "رنگ...
 دانشگاهی" ندارند البته که ندارند!! جنبش دانشجویان...
 ایران کاملاً سیاسی و همسوی مباح عمومی خلق در جهت...
 تخریب و سرنگونی کامل رژیم فاسد و زشت شاهانه شاه حرکت...
 میکند...
 و اختیار شدت و وسعت و حد رشد سیاسی این جنبش...
 آشنان چشم گیر است که سرپوش گذاردن بر آن حتی برای رژیم...
 نیز میسر نبوده آنرا وادار با اعتراف نموده است. اطلاعات...
 هوائی (۳۰ آور ماه) میبویسد: "در این چند روز گذشته...
 که از کار ترمه های دانشگاه میکنند شش یا بنامش در جزای...
 وقایع دانشگاه قرار داشتند ما شنبه های تعجب (!!) چنین...
 وضعیتی را در مقابل خود می یافتند. یعنی از محوطه...
 دانشگاه شمارشای بگوش میرسد که مثلا "انقلاب سفید...
 ایران دروغ است" انقلاب سحر باید! یا اینکه "در سایه...
 این انقلاب دهقانان ما نابود شده اند" و "انقلاب سفید...
 روزگار دهقان ایرانی را سپاه کرده است... ترک بس...
 این انقلاب فرمایشی... ترک بر این سپیدی انقلاب...
 مرده بر این نظام یوسیده فرمایشی... و "سلفیها" و...
 این فریاد های حق طلبانه و حقیقتگو بهمان اندازه کسه...
 بگوش برده اراان "انقلابات" سفید شاهانه ناخواند...
 ما نوس و عمیق میباید با گوش ترمه های زحمتکش جامعه...
 ما آشنایی و آشنی روز افزون یارند. از نقطه نظر مردم...
 اینها بیابان واقعیتند...
 "انقلابات" فرمایشی شاه و امپریالیسم آمریکا در حقیقت...
 مکر بویسته گردیدن باز هم بیشتر جامعه ایران با امپریالیسم...
 جهانی و یوزده امپریالیسم آمریکا نیانجامیده است. "انقلاب...
 جات" ارضی رژیم کبریا در وجه نودال ایران که در همین...
 حال هسته اصلی "انقلابات" نو استعمار رژیم است. پای...
 دولت را بد نجات باز کرده و آنرا بصورت عامل مستقیم در...
 استعمار و چشمانه دهقان و حرسات و کنترل وضع موجود...
 در آورده است. آنوقت هویدا، این عامل سر سبزده امیر...
 نانسیم آمریکا، میجواید چنین وانمود کند که کارگران و...
 دهقانان ایران "حافظان اصلی انقلاب" کدائی سفید و...
 "دره لسان اصلی" این نمایندها سواستعمارند. اینها

خیال میکند که با یک مشت قسه پردازی در باره "پیشرفت...
 سریع السیر" ایران و "بهبود" وضع زحمتکشان و با یک...
 نمایشهای صنعت میژان ترمه های بهادر دل میهن مارا...
 که با پوست و گوشت و استخوان خورد فشار روز افزون لبه...
 تیز و البته رنگ و روغن زده... استعمار و استعمار را...
 حسن میکند فریب داد و ساکت نمود...
 اگر فرمای قلابی "انقلاب سفید" حکس العمل...
 مت ایران در مقابل بحران اقتصادی - سیاسی ۴۲-۴۳...
 و رشد روز افزون مبارزات مردم در آن دوره بود و "مح...
 توبین...
 مبارزات مردم ایران نتیجه منطقی و اجتناب ناپذیر شکست...
 های مکرر و مخفیهانه این برنامه ها و روش شن شدن این...
 شکست در سطح وسیع توده ای است. "نوع نهم مبارزه...
 مردم که از روزهای گذشته آغاز گردید ابتدال و بی...
 با یکی تمام قفقه های نو استعماری رژیم از "اصلاحات...
 ارضی گرفته تا انقلاب" آمیزشی را "علا" نشان تازان و...
 یکباره تغییر برآورد" (کمونیست - شماره یکم)...
 بلندگوییان رژیم بی شرمه ادعا میکنند که تطاهرات...
 ضد رژیم و ضد نقشه های نو استعماری دانشجویان و...
 جوانان ایران خشم توده های مردم را علیه این مبارزات...
 بر انگیزد است. گزارش میسند که در گوته و کارگزاران...
 طرف طبقات مختلف و مخصوصاً کشاورزان (!!) و بطرفه...
 از اصول انقلاب (!!) ایران و مخصوصاً مبارزات از جبار نسبت...
 بنقشه های ناموزنی که بر ضد انقلاب (!!) و بعنوان نفی...
 آثار انقلاب سفید ساز شده است دست بندها هرات زده...
 اند "و هنگامیکه مردم ما در شهر و ده و همان دهقانانی...
 که رژیم این جنان خود را مدافع ضافع آنان قلمداد نموده...
 از پشتیبانی آنان از "اصلاحات" ارضی کدائی قسه...
 میزد آرد، در اینجا و آنجا نفرت و انزجار بی حد خود را...
 از اینگونه "انقلابات" اصلاحات و "سیاهبازی گوناگون...
 انقلابی" در باره "علا" یعنی با برخاستن عسکری و...
 کوششهای عمال ارتجاع - نشان میدهند. مبارزات دهقانان...
 تان کرد و لر نمونه های بود از جوش های دهقانی که در...
 اینسو و آنسو کشور شعل میگردند و مبارزات دهقانان گیلان...
 علیه اربابان ت. دال و نفوذ استعمارگرانه دولت در دهات و...
 "اصلاحات" و "انقلابات" بی دردی درون روستا در...
 نازی است که آغاز گردیده و هر روز بیشتر و خشنوت آمیزتر...
 میگردد. آنجا که هویدا دهقانان را "بهره گیران اصلی...
 انقلاب" سفید درباری اعلام میدارد و از "مواعب" روز افزون...
 "اصلاحات" ارضی افسانه میباند، شدت تضاد های درون...
 روستا آشدن شده که اینبار دهقانان را علاوه بر...
 غایبه شان با سلطه استعماری تکه تکه اربابان نودال...
 مستقیماً در برابر دولت کبردار - نودال مرکزی و عمال آن...
 قرار داده است. فشار اقتصادی کمر شکنی که حکومت...
 سلطنتی - فاشیستی ایران - این بهره بران اصلی "انقلاب...
 سفید" از راه های مختلف، از جمله دران وام بد دهقانان...
 بر آنان تحمیل نموده است و خشم دهقانان را با آخرین حد...
 خود رسانیده است. استعمار دهقانان گیلان از طریق...
 وامی که دولت جهت خریداری کود شیمیایی و غیره برای...
 ازدهان محصولاتان بدانان واگذار نموده بود، نوسنایست...
 از جگونگی عملکرد استشاری حکومت در دهات. دهقانان...
 گیلان که با استفاده از این وام معمولی بیش از سالهای...
 پیش تولید کرده بودند قادر به بازاری و فروش مستقیم این...
 محصولات نبوده و چون از سوی دیگر، تحت فشار شدید...
 دولت برای پس دادن وام و افزایش نزول و امپاتر از کرده...
 بودند محصور شدند که محصول خود را بهر قیمت نازل...
 که شده بفروزش رسانند. دولت هم که تمام توطئه ها و نقشه...
 های "انقلاب" سفید خود را تنها منظور در تنگنا...
 قرار داد - طرح بیشتر زنجیران ما و غارت دستفروش و...
 جیاول آسار و عواطفمان تر آنان جیده است و محصول

دهقانان را بخت یک حشم خریده و در بازار بخت...
 هادی بغرونی میسند. این کار که از اجیر و مدد طلبی...
 "انقلاب" سفید شاه و اربابان امپریالیست او ناشی میگردد...
 دهقانان را بر سر خشم آورده است و مبارزات مقاومتی...
 و حتی تلاقی جوانان آنان را بهت کرده است. مبارزاتی...
 از دهات فارس، در آذر ماه و دهقانان برای ابراز مخالفت...
 شدید و نفرت و خشم سرنارتان نسبت با استعمار و چشمانه...
 از سابق رژیم و نیز بعنوان تنها راه مکن و موثر جنبش...
 آزاد کردن خود از تسلط حمریان دولت در دهات و چهار راه...
 ندارم و یک سیاسی "ترویج و آبادانی" را که برای مقبول...
 مالیات بپرداز آنان رفته بودند ناپدید کردند...
 اربابان نودال و این با به های خشم رژیم و نیز از...
 شعله های خشم دهقانان معنی نمانده اند. در یکی از...
 دهات زنجان، دهقانان ده در اثر ظلم و فشار زحمتکشی...
 که از جانب ارباب ده آنان و خانان زده و مایخان وارد...
 شد و تصمیم گرفتند که شراش سنگترا از سر همی ساکنان...
 ده کوتاه کنند. نوکر ارباب که خود دل پر خوبی از او...
 مانع میخورد که تمام تفنگهای ارباب را از گدوله خالی کند...
 ارباب را بی سلاح و وحشت زده در خانه اش خلاص...
 میکنند و سینه مطلق با منقش را سینه و قاطع توده های خوش...
 را با تیر قطع میکنند. آنگاه تمامی دهقانان ده...
 خود را بخون از آب آفشته کرده و پند میسند همسنگی خود...
 را با حمریان امر اعلام میدارند. "انقلاب" سفید و ژوب...
 با بان ده آنقدر زندگی دهقانان را به تیره روی کشانیده...
 اند که دهقانان نفرت از ارباب و وابستگان رژیم سلطنتی...
 فاشیستی ایران را جز از راه قطعه قطعه کردن آسنان...
 کشته ساختن دهقانان بخون دهستان طبقاتی خود...
 از این ضحیحترین و عادلانه ترین راه نمیتوانند نشان...
 دهقانان...
 ادعاهای رژیم پیرامون "بهره گیری" کارگران...
 "انقلاب" سفید و چه آسان تر مقابل اعتراضات بی دردی...
 کارگران که در نقاط مختلف کشور جوان میباید خرد گردیده...
 است. اعتراضات بی دردی کارگران جنوب، کارخانه شورده...
 کارخانه های تهران، اصفهان و یزد و نظیر اعتراضات...
 کارگران کارخانه ایران ناسیونال و پالایشگاه تهران از یک...
 طرف و نظامی کردن کارخانجات صنعتی توسط دولت و...
 گماردن نظامیان برای مدیریت و نظارت امیر کارخانه ها از...
 طرف دیگر، از چه چیزی حکایت میکند؟ اینها حکایت...
 میکند از شکست انتفاع آمیز نقشه ها و برنامه های...
 استعماری رژیم و بیداری طبقه کارگر ایران...
 بگذر شاه و هویدا و دیگر بلندگوییان رژیم باز هم از...
 پشتیبانی زحمتکشان ایران از "انقلابات" شاهانه آشنای...
 پردازی کنند. جز ارتجاع و چه کسی واقعیاتی چنین آشکار...
 را از مبارزات ترمه های زحمتکش با نگر برخاسته و لاط...
 غلات ابلهانه حکمت ایران را واقعت انکار؟
 رژیم از طریق بلندگوهایی خود باین موضوع اشاره میکند...
 که مردم ما در اثر وقایع افکارانه اخیر دانشگاه خشمگین...
 شده اند. کاملاً صحیح است! اما خشم مردم همکس و یارب...
 بیبهای "اطلاعات" از باهت تضاد شان با "نخسه های...
 ناموزنی که بر ضد انقلاب (!!) و بعنوان نفی آثار انقلاب...
 سفید ساز شده" نیست بلکه درست بخت بهادر ترمه نشان...
 در اثر این "نخسه های ناموزن" و در اثر بیان کلامی جوانان...
 شباهتشان در این "نخسه های ناموزن" و بر علیه آشکار...
 "انقلابات" فرمایشی شاهانه است. مردم خشمگینند...
 زیرا امپریالیستها و کارگران کبریا در نودال ایران با رژیم...
 فاسد و بی سابقه او استعمار ترمه زحمتکشان و غارت و جیاول...
 ترمه بردی توسعه فساد و نطمعات نو استعماری برداشته اند...
 زیرا در شرایط ترمه و اخفانی بسر میگردند که هر گونه مبارز

اجتماعی اند. در حقیقت، شرایط عینی انقلاب در جامعه ما نه چیزیست که منتظر بشویم تا بویید آید. مچون ما از همان سالهای انقلاب مشروطیت با اینطرف همیشه برای انقلاب آمادگی عینی داشته است زیرا یک رژیم کیرادر - فئودال در پیکار نبرشته و نمیتواند راه ترقی و اجتماعی گردید. رژیم کیرادر نیز در فئودال ایران از همان ابتدا فاسد و سید و نیروی ترمز کننده و ضد تاریخی بوده و از این رو شرایط عینی جهت نفی این رژیم از ابتدا فراهم بود. ماست. حقیقت امر آنست که روزیوتنیست با انجام کارهای ترقی خواهانه از جانب رژیم موجود و تحولات مثبت در نظام نیست مستعمره - نه فئودال ایران از جانب شاه و امیرالیسم اعتقاد دارند و از این رو است که منکر موجودیت شرایط عینی انقلاب شده اند. دیگر آنکه در مواقع متعدد در وضعیت انقلابی نیز در صحن ما موجود بود ماست. آنها این نبود که در دوره های متعدد در راه آماده جاننازی و سرنگونی رژیم موجود بوده و نیز هیئت حاکمه در باره مران اقتصادی و سیاسی پشیمه و زمام امور را از کف دست ما بردارند. انقلاب مشروطیت، تظاهرات متعدد در مناطق شمالی ایران، نهضت های آذربایجان و کردستان در دوره جنگ جهانی دوم، نهضت ضد امپریالیسم ۳۲-۱۳۲۹ وضع انقلابی در برتا سرکیش و با دست کم در بخشها و روستا موجود نبود؟ آنها توده ها آماده جاننازی نبودند؟ آیا رژیم بدنهال شیوه های نوین جهت تثبیت سلطه شوم خود نبود؟ آنها در همین دوران اخیر ۴۲-۱۳۳۹ رژیم در چار بحران اقتصادی و سیاسی شدیدی شد و بدنهال پیدا کردن شیوه های نوین (که به صورت "انقلاب سفید" فرموله شد) نیاز فوری بود و مردم و بهر در پانزده خرداد، آمادگی خود را برای فداکاری نشان نداده اند؟ این بدو عده، نتیجه فقدان عامل ذهنی لازم، فقدان حزبی که بتواند توده های مردم را متحد کرده و هدایت کند، بوده که این مبارزات شکوفان شده به شکست انجامیده و مایه فروکش انقلاب پس و سلطه طولانی تر ارتجاع و امپریالیسم گردیده است. اینست شکستها در دست معلول سازش پرورانی با فئودالیسم در یک دوره، و خیانت و هیران حزب توده در دوره دیگر و تزلزل و ناتوانی سازمانهای موجود بوده که نتوانسته اند بد روشی از شرایط مساعد موجود بهره برداری کرده و مایه سرنگونی رژیم گردند. نه آنطور که روزیوتنیستهای مرتد حزب توده مدعی اند، نتیجه عدم موجودیت آمادگی توده ها برای جاننازی و هیران در نظام حاکم. "رهبران" روزیوتنیست حزب توده، چون خود را "حزب طبقه کارگر ایران" میدانند، از این رو کمبود دوران کمونی را در فقدان عامل ذهنی لازم، بلکه فقدان شرایط عینی انقلابی بینند. واضح است که وقتی که "حزب طبقه کارگر" حضرات برقرار است، حتما این تقصیر توده هاست که آمادگی خود را برای انقلاب نشان نمیدهند! حتما و آن شرکت خائنان "رهبران" حزب در دولت قوام، خیانت محرز به قیام آذربایجان و کردستان، سیاست های اپورتونیستی در قبال نهضت ضد امپریالیسم برهبری دکتر محمد مصدق و تسلیم و فرار طلعی بعد از آن، و نیز طرفداری کونشیلان از سوسیال - فاشیستهای شوروی و رژیم سلطنتی - فاشیستی شاه، همه بعلمت آنست که شرایط عینی انقلاب موجود نیست، و در هیچ دورهای توده های حزبی و توده های مردم آگاهانه جهت سرنگونی رژیم آمادگی نشان نداده اند و رژیم هرگز در چار بحران نشده است!!

واقعیت اینست که حضرات "رهبری" مخالف انقلاب اند و در گذشته نیز مخالف و مانع انقلاب بوده اند. واقعیت اینست که حضرات "رهبری" عاملین مستقیم سوسیال فاشیسم شوروی و مداحان اقدامات نواستعماری رژیم شاه و امیرالیسم

لیسم آمریکا میباشد. برای همین است که "رهبری" مطرود حزب توده و مخالف نظرات مندرج در نشیبه مردم مبنی بر اینکه مباحث "راه و روش" رژیم سلطنتی را پیش گرفت مباحثه و برای همین است که راه و فرسبم و فعالیت و چهارچوب امکانات سرستم موجوده یعنی "نبرد در راه یک سلسله شمارهای تاکتیکی مهم که مشخصین آنها مبارزه در راه آزادی و حقیق و مکرانیک است" (همانجا) را، توجه نمیکنند. مباحث دیگر، نه تدارک مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم بلکه مبارزه برای حقوق مکرانیک در چهارچوب امکانات رژیم، نه انقلاب بلکه فرسبم. بعد از ۷۲ سال اختناقی و ستم وحشیانه روی بندویان رژیم کودتا، هنوز باید به تاکیکهای بعد از شهریور ۲۰۰۰ که اگر چه در گن زمان بقیه در صفحه ۸

گزارش سیاسی و تشکیلاتی

هرچند فعلا حزب ما کوچک است ولی میتوانیم این وظیفه مقدس را انجام دهیم در صورتیکه مطالعه و بکار بردن اندیشه های صدر مائو مندرج در نقل قولها "و سه اثر" را بطرح بالاتری ارتقاء دهیم و خود را عقیدت در همین دهقانان بدون زمین و دهقانان فقیر جای داده و با آنها پیوند خویش و کارهای دهقانان بدون زمین و دهقانان را تشویق بقبول مسئولیت های بالاتر نمائیم. نیز صحیح است معاون صدر لنین بیاثور که "مبارزات چریکی نشیا راه بسیج و بکار بردن نیروی مردم علیه دشمن است" را مطالعه و بکار بریم و اسلوب نیز صحیح ناپود کردن دشمن طبقاتی بعنوان بالاترین شکل مبارزه طبقاتی و گناز جنگ های چریکی و جنگ توده ای را درک کرده بکار بریم مبارزه طبقاتی یعنی سرنگونی ناپود کننده را فهمید و متوجه شویم که تمام مشکلاتی را که با آن روبرو هستیم میتوان حل کرد و مبارزه را بطرح بالاتری هدایت کنیم و سطح آگاهی سیاسی توده ها را بالا برده و شرایط را برای ایجاد انسانهای جدید بوجود آوریم انسانهای عصر مائو تسه دون که نه از مرگ میهراسند و نه از سختی و ارتش توده ای را گسترش دهند و در این صورت است که میتوان ایجاد یک پایگاه دانی را تضمین نمود. این نبرد ناپود کننده منتها مردم را از ظلم و جور طبقه مالک و دولت آن آزاد مینماید، بلکه آنها را از بند عقاید کهنه رها کرده و دانه های سی خودخواهی و منافع قبیله ای خانوادگی و محله ای و خرافات مذهبی و غیره را از میخچه آنها میزداید. بنابراین این نبرد ناپود کننده است که با عسب و شکوه شرق را برای انسانها پارمغان مبارزه سیاست تصاحب قدرت سیاسی و بتنها می تواند تنفر طبقاتی را در میان دهقانان بدون زمین و دهقانان فقیر بالا برد و تنها با بکار بردن این سیاست است که نبرد ناپود کننده می تواند بطرح بالاتری ارتقاء یابد.

روزیوتنیستهای سراسر جهان سعی میکنند تا با گروه ها هائی که نام صدر مائو را برای مبارزه با اندیشه های او و نفی نبرد ناپود کننده بکار میبرند متحد شوند. بنابراین هر گونه نظری در جهت اتحاد با این گروه ها بمعنای خش کردن قسمت عده مبارزات ما و فرو بردن حزب در مراب روزیوتنیستی است. رفتای ما باید بخاطر داشته باشند که تنها بر مبنای انگیزه بخود ما توانسته ایم شرایط نوینی در هند بوجود آوریم و در این زمان که حکومت ثابت و مقرر گردیده و توده های عظیم مردم مبارزه کشیده شده و شرایط نوینی برای انقلاب مهیا شده است، طبقات حاکمه و احزابشان چسبون سگان ما را با یکدیگر بنزاع برداخته اند. حزب ما ندا می دهد: "صدر چین صدر ماست راه چین راه ماست" ندای ما بر علیه هر نوع جنگ تجار کارانه ضد چینی، ندای ما برای تبه پل پالیهای هفتاد هده آزادی، انگار توده ها بویزه توده

جوانان انقلابی را آماده کرده و بر شوخیز مبنی و روزیوتنیسم پیروز شد و هر چه جدید پیروزی بزرگتری را آغاز کرده است. نبرد ناپود کننده و وظیفه مقدس ما با هم پیوند نا اداست. وظیفه آزاد کردن کشور و مردم و همچنین وظیفه انتزاعی - نالیستی یعنی پایان بخشیدن به امپریالیسم و جنگهای امیر - پالیستی - و پایه های مادی برای ظهور انسانهای طراز نوینی که بتوانند این وظایف را انجام دهند. ایجاد کرده است.

بنابراین حزب ما باید نبرد ناپود کننده را در یک راه مضم و مشخص ادامه دهد، نواحی جدید تری برای عملیات انقلابی بوجود آورد، شکی باسلیحه های ساده و ابتدائی باشد چه از این طریق. توه ابتکار دهقانان بدون زمین و دهقانان فقیر تقویت یافته و مبارزه با مائو پیروزی تنگ - مل مییابد، ادامه دادن تبلیغات سلیسی بمنظور تکامل نبرد ناپود کننده، سعی مداوم در کشیدن نیروهای تازه نفس از میان دهقانان بدون زمین و دهقانان فقیر و دانستن راه انگاره آنها، تمرکز دادن بیک ناحیه، بیک واحد، بیک بچونه و تمرکز تمام کارها برای انجام وظیفه عده مرحله ای، سعی در ارتقاء آگاهی سیاسی رزمندگان و نزدیک کردن هر چه بیشتر آنها بتوده های مردم و کند کردن مبارزین برای مطالعه "نقل قولها" و "سه اثر" و پیوند دادن رزمندگان با کار تولیدی و کشیدن آنها بدرون حزب، رفتا! زمانیکه حفظ نیروهای عده رهبری ما بستگی به نفوذ بیشتر در بین توده های مردم دارد، امپریالیسم و سوسیالیسم - ارتجاع بوی مشغول درست کردن روز و لک برای حمله وحشیانه بامیباشند. بنابراین رهبران و کارها باید سبک کاری را که صدر مائو تکامل داده است با جدیت مطالعه کرده و بکار برند، زیرا تنها چنین روشی است که بتواند پیروزی مبارزات انقلابی را تضمین کند.

جهان تحت رهبری صدر مائو با سرعت بیست آزادی نهائی انسان در حال پیشرفت و ترقی است! مبارزات ما در هند همچنین بصورت غیر قابل تصوری در حال رشد و تکامل است. پیروزی انقلابیست سلطه برای همیشه امپریالیسم و جنگهای امپریالیستی را از صحنه دنیا طرد خواهد کرد، رفتا! ما باید همیشه این وظیفه عظیم را که بر عهده ما گذاشته شده است احساس نمائیم، باید برهبری صدر مائو روحیه انتزاعی و نالیستی و یکی شدن با رزمندگان جهان را در خود تقویت و رشد دهیم. این احساس ما قدرت بسی اندازهای برای انجام این وظیفه عظیم که تاریخ بر عهده ما گذاشته است خواهد داد.

بگذار این کنگره راهنمای وحدت عظیم تری در بین کارهای انقلابی و پیروزی عظیم تری برای خلقهای هند باشد. بگذار این کنگره به کارها قدرت تازه ای بخشد تا بتوانند کارها و مردم ما را بسوی فداکاری بیشتر بمنظور تخمیر هند تارک و بر ظلمت به هندی روشن و تابناک ارتقاء دهد.

صدر مائو آنجاست. پیروزی از آن ماست. زنده باد انقلاب هند!

زنده باد حزب کمونیست هند (م - ل)!

زنده باد صدر مائو! طولانی و طولانی باد عمر صدر ما تو! (۱۱ مه ۱۹۷۰)

نشریات کمونیست

- ۱- آموزش مائو تسه دون در باره حزب و ساختن آن
- ۲- آخرین بیانیه مائو تسه دون (۲۰ مه ۱۹۷۰) - بزبان آذری